

بررسی مفهوم تورم و تأثیر متقابل آن بر سیستم حقوق و دستمزد پایه به عنوان یکی از مولفه های بازار کار

عبدالقادر باوردی^۱

چکیده

در عصر کنونی یکی از مسائل مهم مطرح در اقتصاد کشورها بحث تورم است. با توجه به این که در قرن حاضر پدیده‌ی تورم به یک معضل اقتصادی تبدیل شده و به عنوان یکی از شاخص‌های مهم اقتصاد کلان مطرح است، همواره مورد توجه اقتصاددانان و سیاستمداران کشورها قرار گرفته تا بتوانند با کاهش نرخ آن اوضاع اقتصادی در کشور را بهبود داده و سطح زندگی مردم را به رفاه برسانند. از آنجایی که کاهش نرخ تورم، کاهش نرخ بیکاری و افزایش رشد اقتصادی سه موضوع مهم در اقتصاد می‌باشند، در این میان اهمیت کاهش نرخ تورم از موضوعات دیگر بیشتر است. اهمیت توجه به تورم و جلوگیری از افزایش آن به حدی است که مسئولان اقتصادی تورم را تنها دشمن بزرگ اقشار کم درآمد و آسیب پذیر عنوان کرده‌اند. اقتصاد ایران هم با این موضوع درگیر است، همان گونه که در سال‌های اخیر درصد تورم بالا رفته است به طوری که قیمت‌ها هر سال افزایش یافته و قدرت خرید مردم کم شده است. شناخت عواملی که سبب ایجاد تورم شده و راه‌های مقابله با آن به عدالت اجتماعی و ثبات و رشد اقتصادی کمک خواهد کرد. بنابراین در ادامه به تعریف تورم، انواع تورم، ریشه‌های تورم، تورم در ایران، علل تورم در ایران، تورم و تأثیرات آن بر حقوق و دستمزد پرداخته خواهد شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کلمات کلیدی: تورم، علل تورم، ریشه های تورم، دستمزد، تأثیر تورم بر حقوق و دستمزد

^۱. فارغ التحصیل کارشناسی مدیریت صنعتی دانشگاه پیام نور مرکز مهاباد

مقدمه

تورم یکی از مهم‌ترین پدیده‌های اقتصادی قرن حاضر است و دامنه‌ی آن چنان وسیع و گسترده است که هیچ کشوری در جهان از آثار و نتایج آن برکنار نمانده است. تورم به معنای افزایش سطح عمومی قیمت‌هاست، ولی هر افزایش قیمتی را نمی‌توان تورم خواند. به طوری که یک افزایش ملایم در قیمت‌ها و یک افزایش کوتاه مدت را نمی‌توان تورم خواند، بلکه تورم به معنی یک افزایش پایدار و محسوس در سطح عمومی قیمت‌هاست (۱). به دلیل تنوع در نوع تورم و تنوع در منشأ آن نمی‌توان یک راه حل خاص یا یک نظریه خاص را برای حل تورم به کار برد. علاوه بر این، نوع تورم در کشورهای توسعه یافته مجزا از نوع تورم در کشورهای در حال توسعه می‌باشد. همچنین تورم در کشورهایی که وابستگی شدیدی به تجارت جهانی دارند و واردات و صادرات خاص آنها بخش عمده‌ای از ارزش مبادلات اقتصادی را تشکیل می‌دهد با نوع تورم در کشورهایی که وابستگی کمتری به تجارت جهانی دارند فرق کرده و برای حل آن راه‌های متفاوتی لازم است (۱).

تعریف تورم

واژه‌ی تورم از کلمه‌ی لاتین *inflare* به معنی دمیدن برگرفته شده است و در زبان عربی از ریشه "ورم" و به معنی دمیدن می‌باشد (۲). اما تورم از نظر علم اقتصاد اشاره به افزایش سطح عمومی تولید پول، درآمدهای پولی و یا قیمت دارد. تعریف‌های مختلفی از تورم وجود دارد که همه‌ی آنها تقریباً بیانگر یک موضوع می‌باشند. زمانی که اقتصاددانان درباره تورم صحبت می‌کنند، به رشد سطح عمومی قیمت‌ها اشاره دارند؛ تورم یعنی باید برای خرید کالاها و خدمات، پول بیشتری پرداخت شود (۳). تورم روند فزاینده و نامنظم افزایش قیمت‌ها در اقتصاد است. هر چند طبق تئوری‌های مختلف، تعاریف متفاوتی از تورم صورت می‌گیرد، اما تمامی آنها به روند فزاینده و نامنظم افزایش در قیمت‌ها اشاره دارند. مفهوم امروزی تورم، در قرن نوزدهم میلادی متداول شد. قبل از آن، مفهوم دیگری از تورم وجود داشت که جهت نشان دادن افزایش حجم اسکناس‌های غیر قابل تبدیل به طلا به کار برده می‌شد.

انواع تورم

در نظریه‌های اقتصادی، تورم را به سه نوع تقسیم می‌کنند:

تورم خزنده (آرام یا خفیف): به افزایش ملایم قیمت‌ها گفته می‌شود. در تورم خفیف، افزایش قیمت بین ۱ تا ۶ درصد، حداکثر ۴ درصد یا بین ۴ تا ۸ درصد در سال ذکر شده است.

تورم شدید (تورم شتابان یا نازنده): در این نوع تورم آهنگ افزایش قیمت‌ها تند و سریع است. برای تورم شدید ۱۵ تا ۲۵ درصد در سال را ذکر کرده‌اند.

تورم بسیار شدید (تورم افسار گسیخته، فوق تورم و ابر تورم): این نوع تورم شدیدترین حالت تورم به شمار می‌رود. معیار تورم بسیار شدید را ۵۰ درصد در ماه یا دو برابر شدن قیمت‌ها در مدت شش ماه بیان داشته‌اند.

علاوه بر این دسته بندی کلی، تورم انواع دیگری نیز دارد:

تورم پنهان: در این تورم، قیمت ثابت ولی کیفیت کمتر می‌شود.

تورم خزنده: تورمی آرام و پیوسته است. معمولا به علت افزایش تقاضاست. بعضی اقتصاددانان معتقدند که محرکی برای افزایش درآمد است و بعضی دیگر معتقدند که سبب کاهش قدرت خرید می‌شود (هر ۲۵ سال ۵۰ درصد).

تورم رسمی: این نوع از تورم به علت افزایش عرضه پول از سوی دولت می‌باشد.

تورم ساختاری: به علت افزایش قیمت‌ها و به دلیل وجود تقاضای اضافی است. در این نوع تورم دستمزدها به دلیل وجود فشار (کمبود) در برخی بخش‌ها افزایش می‌یابند. این نوع تورم در کشورهای در حال پیشرفت زیاد است.

تورم سرکش: به معنای افزایش سریع و بی حد و مرز قیمت‌هاست. آثار تورم سرکش عبارتند از کاهش ارزش پول، گسستگی روابط اقتصادی و فروپاشی نظام اقتصادی. این نوع تورم معمولا پس از جنگ یا انقلاب‌ها رخ می‌دهد.

تورم مهار شده: تورمی است که به دلیل وجود شرایط تورمی در کشور ایجاد شده است و در مقابل از افزایش آن جلوگیری شده است. این شرایط معمولا از فزونی تقاضای کل بر عرضه پول کالاها و خدمات به وجود می‌آید.

تورم فشار سود: تورمی که منشاء آن تلاش سرمایه‌داران برای تصاحب سهم بزرگی از درآمد ملی است.

تورم فشار هزینه: تورمی مستقل از تقاضا، صرفا از افزایش هزینه‌های تولید ناشی می‌شود. مثال بارز چنین تورمی را در تمام کشورهای صنعتی غرب پس از افزایش استثنایی بهای نفت در سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۸ می‌توان مشاهده کرد.

تورم فشار تقاضا: تورم ناشی از افزایش تقاضای کل نسبت به کل جریان کالا و خدمات ایجاد شده در اقتصاد که همه‌ی عوامل تولید را با ظرفیت کامل به کار گرفته باشد.

تورم فشار دستمزد: نوعی تورم فشار هزینه که سرچشمه‌ی فرایند تورم را فشار اتحادیه کارگری بر بازار کار می‌داند (۴).

اقتصاددان معروف "کینز" دو دلیل عمده را برای وجود تورم عنوان می‌کند؛ یکی کاهش عرضه پول و دیگری افزایش تقاضای کل، و در مقابل پول گرایان رشد عرضه پول مازاد بر رشد اقتصادی را عمده‌ترین دلیل تورم می‌دانند. به عبارت دیگر، تورم، تناسب نداشتن حجم پول در گردش با عرضه پول خدمات و کالاهاست. تقریبا

تمامی اقتصاددانان بر این نکته واقف هستند که تورم پایدار و دراز مدت ریشه‌ای جز عرضه‌ی پول و افزایش نقدینگی ندارد. هر چه میزان تورم بیشتر شود و قدرت خرید یک واحد پول کمتر می‌شود (۵).

یکی از ریشه‌های تورم، نبود تعادل میان درآمدها و هزینه‌های دولت است. به این معنی که وقتی هزینه‌های دولت نسبت به درآمد آن افزایش یابد، دولت با کسری بودجه مواجه خواهد شد. اگر در این شرایط دولت برای حل مشکل کسری بودجه‌ی خود از بانک مرکزی اقدام به استقراض یا فروش درآمدهای ارزی خود به بانک مرکزی نماید، پایه پولی و در ادامه آن نقدینگی در اقتصاد افزایش می‌یابد که این خود موجب تورم و بدتر شدن اوضاع اقتصادی خواهد شد. یکی دیگر از علل افزایش نرخ تورم، انتظارات تورمی است (۵). اگر مردم با تجربیاتی که از گذشته در بازار پیدا کرده‌اند پیش بینی نمایند که در آینده قیمت‌ها در بازار افزایش پیدا خواهد کرد و برای اجناسی که امروز خریداری می‌کنند، فردا باید پول بیشتری را پرداخت نمایند، میزان هزینه و خرید خود را افزایش داده و در نتیجه تمایل دارند که تمام سرمایه و دارایی خود را صرف خرید کالا و خدمات کرده که خود موجب به وجود آوردن تورم خواهد شد. بدیهی است که در چنین شرایطی علاوه بر مردم، تولید کنندگان و فروشندگان نیز اگر بدانند که در آینده قیمت‌ها بالا می‌رود از فروش و عرضه‌ی کالای خود خودداری کرده و فروش و عرضه‌ی کالای خود را تا زمان فرا رسیدن افزایش قیمت‌ها در انبار نگه‌داری خواهند کرد تا محصولات خود را با قیمت بالاتری به فروش برسانند که این سیاست، بر عرضه و تقاضا و قیمت، اثر مستقیم داشته و موجب افزایش تورم خواهد شد.

گروهی از اقتصاددانان به رهبری "اسلیچر" معتقدند که تورم ملایم منجر به رشد و توسعه اقتصادی می‌شود، پس پدیده‌ای مطلوب به شمار می‌رود. در مقابل، عده‌ای دیگر از اقتصاددانان عقیده دارند که سطح متوسط قیمت حتی اگر سالانه رشد ملایمی برابر ۵ تا ۶ درصد داشته باشد، پدیده‌ای مطلوب نیست و منجر به تورم شدید و شدیدتر و سپس رکورد اقتصادی و بیکاری می‌گردد. تورم‌های شدید و بسیار شدید می‌تواند احساس بی‌اعتمادی نسبت به ارزش پول ملی را چنان تقویت کند که پول کشور را به شکلی درآورد که اصطلاحاً به آن "پول سوزان" یا "پول داغ" می‌گویند. منظور از پول سوزان پولی است فرد به جای اینکه آن را نگه دارد، برای خرید کالا و سایر موارد از خود دور می‌کند (۶).

تورم در اقتصاد باعث می‌شود که پس‌انداز، قدرت خرید، ارزش سهام، میزان مصرف، سرمایه‌گذاری، صادرات و واردات و تولید و اشتغال با آهنگ بسیار کندی اتفاق بیفتد (۷).

مروری اجمالی بر نظریه‌های تورم

نظریه‌های تورم درصدد آن هستند که علل و ماهیت تورم را بیان کنند و هر یک علت‌های خاصی را در ایجاد تورم دخیل می‌دانند.

نظریه‌ی پولی: طرفداران نظریه‌ی پولی بر این عقیده هستند که تورم منحصرآ پدیده‌ای نشئت گرفته از افزایش عرضه‌ی پول است. هنگامی که عرضه‌ی پول در کنترل بانک مرکزی قرار می‌گیرد، انتشار اضافی پول توسط بانک مرکزی که احتمالا به دستور دولت صورت می‌گیرد، موجب افزایش قیمت‌ها خواهد شد. به عقیده‌ی طرفداران این نظریه، تنها راه کنترل تورم عبارت است از اقدام مصممانه‌ی دولت به محدود کردن افزایش عرضه‌ی پول. ایده‌ی اصلی نظریه‌های پولی، این گزاره است که در بلند مدت، افزایش عرضه‌ی پول شرط لازم برای افزایش سطح قیمت‌ها، فقط از تغییر حجم پول سرچشمه می‌گیرد و جهت علیت از رشد پول به سمت تورم است.

تئوری‌های مبتنی بر فشار هزینه: طرفداران مکتب فشار هزینه که در مقابل مکتب پولی قرار دارند، منشا اصلی فشارهای تورمی را عواملی می‌دانند که اساسا اقتصادی نیستند و معتقدند که شیوه‌ی مفیدتر در بررسی تورم نوعی تحلیل جامعه‌شناسانه از تضادهای بین طبقات و گروه‌های اجتماعی برای دریافت سهم بیشتری از درآمد مالی است. به طور خلاصه، به عقیده‌ی پیروان مکتب فشار هزینه، تبیین تورم بدون توجه به نحوه‌ی تعیین قیمت و دستمزد امکان پذیر نیست. از آنجا که قیمت‌ها و دستمزدها در ساختارهای بازاری مختلف توسط نهادهای گوناگون تعیین می‌شوند، عوامل پدیدآورنده‌ی تورم اساسا غیر اقتصادی هستند.

نظریه‌ی کینزی: به طور کلی در مدل شکاف تورمی کینزی، نرخ تورم تابعی از اندازه‌ی شکاف تورمی (فاصله‌ی بین تقاضای کل و عرضه‌ی کل) است و تورم مورد نظر ناشی از کشش تقاضاست. به عقیده‌ی کینز و طرفداران وی محدود کردن تقاضا، سنگ اصلی بنای هر سیاست معتبر ضد تورمی را تشکیل می‌دهد. به عقیده‌ی کینزی‌ها سیاست‌های درآمدی اگر با سیاست تحدید تقاضا همراه نباشد، در مهار تورم بی‌نتیجه خواهد بود. این دو سیاست باید همراه با هم اجرا شوند تا کاهش در نرخ تورم محسوس باشد (۸).

در اقتصاد معمولا نرخ تورم را با استفاده از شاخص قیمت مصرف‌کننده، شاخص هزینه زندگی، شاخص قیمت، شاخص عمده‌فروشی، شاخص قیمت کالا و تورم‌گاهی تولید ناخالص داخلی اندازه‌گیری می‌کنند. در این میان شاخص قیمت مصرف‌کننده رایج‌ترین شیوه برای محاسبه‌ی نرخ تورم است.

تورم در ایران

تورم در ایران از اواخر دهه‌ی ۱۳۴۰ به صورت جدی پدیدار گشت و تا اواخر دهه‌ی ۱۳۵۰ تحت تاثیر عوامل ساختاری مانند تکیه بر درآمدهای نفتی در قالب برنامه‌های مالی، عدم تعادل در تجارت جهانی، عدم تعادل در بافت

بودجه‌ی دولت، عدم تعادل در ترکیب بخش‌های اقتصادی، عدم تعادل بین مناطق اقتصادی کشور، دوگانگی شیوه‌ی تولید، فقدان حلقه‌های واسط در زنجیره‌ی تولید و عدم تعادل در الگوی توزیع درآمد و ثروت ادامه داشت و موجب بروز فشارهای تورمی در جامعه گردید، آثارش در عدم موازنه بین رشد نقدینگی و تقاضای موثر و رشد عرضه‌ی کل ظاهر گشت و از طریق تورم وارداتی و فشار هزینه‌های تولید شدت یافت. در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به علت فقدان برنامه‌های جامع رشد و توسعه‌ی اقتصادی نقش‌های سیاسی، اجتماعی، جنگ تحمیلی و نوسانات شدید درآمدهای ارزی، اقدامات ریشه‌ای جهت اصلاح نظام اقتصادی و رفع عدم تعادل‌های آن صورت نگرفت و لذا به علت حفظ و تداوم ساختار وابسته و تک محصولی و عدم تعادل‌های حاکم بر اقتصاد کشور، سیاست‌های پولی و مالی انبساطی، افزایش هزینه‌های تولید، تورم وارداتی، جنگ تحمیلی، نارسایی‌های سیستم توزیع، عوامل روانی و ...، گرایش‌ها و فشارهای تورمی شدید در جامعه ظاهر گشت که هنوز هم ادامه دارد (۹).

در زمینه‌ی شناخت علت تورم در ایران عمده بررسی‌ها بر کاربرد نظریه‌های اقتصاد کلان و به ویژه «نظریه‌ی پولی تورم» بوده است. از جمله مشکلات ساختاری دیگر در ایجاد تورم عبارتند از: نقدینگی بخش خصوصی، حجم اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی، ترکیب هزینه‌های سالانه‌ی دولت، کسری بودجه‌ی دولت، الگوی مصرف بیش از تولید، ورود بخش نفت در اقتصاد کشور (۹).

تورم در یک نگاه کلی دارای سه منشا عمده است؛ فشار تقاضا، فشار هزینه، و ساختار اقتصاد. نکته‌ی بسیار مهم در خصوص اقتصاد کشور ایران آن است که بسیاری از عوامل اثرگذار بر تورم، قدرت گرفته از عوامل ساختاری است.

تورم لجام گسیخته‌ی امروز که بسیاری از مردم به ویژه اقشار کم درآمد را تحت تاثیر قرار داده، اگرچه ناشی از فعل وانفعالات تورمی است؛ اما در واقع معلول تفکری تورم زاست که بر اقتصاد کشور حاکم شده است. برخی از اجزای این تفکر تورم‌زا عبارتند از: شیوه‌ی اجرای عدالت اجتماعی، توهم رشد از طریق تزریق پول، عدم برنامه‌ریزی برای افزایش درآمد، تفکر تورم‌زا و سیستم بانکی. نکته‌ای که در اینجا بیان آن لازم است این است که نخستین وظیفه‌ی بانک مرکزی حفظ ارزش پول و کنترل تورم است. از دیگر وظایفی که بانک مرکزی بر عهده دارد، خدمات پولی (چاپ پول) و نظارت بر نظام بانکی است (۱۱).

هر سه وظیفه‌ی بانک مرکزی بر تورم تاثیر دارد که می‌تواند هم موجب ایجاد تورم و هم کنترل تورم شود. بانک‌های مرکزی در سرتاسر جهان از سیاست پولی برای حفظ ثبات قیمت‌ها استفاده می‌کنند. برای اندازه‌گیری تورم از شاخصی به نام نرخ تورم استفاده می‌شود که نوسانات قیمت کالاها و خدمات را در یک سال خاص نسبت به

سال پایه می‌سنبند. قیمت کالاها و خدمات مورد استفاده در اندازه‌گیری تورم، معمولاً به وسیله شاخص قیمت‌های مصرف‌کننده که در ایران شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی نامیده می‌شود و هر ماه توسط بانک مرکزی منتشر می‌گردد محاسبه می‌شود. بنابراین، طبق نظریه‌ی مقداری پول، بانک مرکزی عرضه‌ی پول را کنترل می‌کند و در کنترل نرخ تورم تاثیر فراوانی دارد. اگر بانک مرکزی عرضه‌ی پول را ثابت نگه دارد، سطح قیمت‌ها ثابت خواهد ماند و اگر بانک مرکزی عرضه‌ی پول را افزایش دهد، سطح قیمت‌ها سریعاً بالا خواهد رفت.

در مورد تورم در ایران مطالعات بسیاری صورت گرفته است. یکی از آنها تحقیقی است که دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تحت عنوان ریشه‌ها و پیامدهای تورم در ایران انجام داده است. در این گزارش ضمن بررسی روند تورم در ایران از سال ۱۳۵۲ تاکنون، مهم‌ترین دلایل تورم در کشور، اتکا به درآمدهای نفتی، عدم انضباط مالی دولت، بالا بودن هزینه‌های تولید در کشور، غیر رقابتی بودن برخی تولیدات و قیمت‌گذاری نامناسب عنوان شده است. طی ۵۰ سال گذشته اقتصاد ایران شاهد حوادث مختلفی بوده که هر یک اثری موقتی در سیر رشد اقتصادی داشته است. از جمله این حوادث می‌توان انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی، جنگ ایران و عراق در سال ۱۹۸۰ و ۱۹۸۸ میلادی و بحران تراز پرداخت‌ها در سال ۱۹۹۳ میلادی را ذکر کرد. این حوادث شوک‌های بزرگی را به اقتصاد کشور وارد کرد و روی متغیرهای اصلی اقتصاد تاثیر چشمگیری به جا گذاشت.

پژوهش‌های انجام شده توسط صندوق بین‌المللی پول نشان داده است که در سال ۱۹۶۴ میلادی نرخ تورم در ایران نزدیک به یک درصد و در سال ۱۹۷۹ میلادی صفر درصد بود. اما از این سال به بعد حرکت رشد نرخ تورم آغاز شد و در سال‌های انقلاب به نزدیک بیست درصد رسید (۱۲). براساس گزارش صندوق بین‌المللی پول، ایران در سطح خاورمیانه بالاترین نرخ تورم را دارد، در حالی که میانگین نرخ تورم در کشورهای خاورمیانه ۳/۳ درصد است. در جدیدترین گزارشی که بانک مرکزی نرخ تورم ایران را اعلام کرده است، میزان تورم در سال ۸۸ با شاخص کل ۷۳،۲۳ - ۱۰،۸. در سال ۸۹ با شاخص کل ۸۲،۳۱ - ۱۲،۴ و در سال ۹۰ با شاخص کل ۱۰۰ - ۲۱،۵ و در سال ۹۱ با شاخص ۱۳۰،۵۴ - ۳۰،۵ درصد بوده است (۱۳).

به وجود آمدن تورم در اقتصاد باعث کاهش درآمد خانوارها و افزایش نیروی انسانی بیکار در جامعه می‌شود. در چنین شرایطی به خاطر اینکه خانوارها نمی‌توانند مخارج معیشتی خود را تامین نمایند، یا پول آنها کفایت زندگیشان را نمی‌کند، ناچار هستند سایر افراد خانواده را روانه‌ی بازار کار کنند، چنین امری باعث ترک تحصیل فرزندان خواهد شد. حتی در چنین شرایطی ممکن که در صورت بیکاری در جامعه که در اثر تورم به وجود آمده

افراد برای یافتن کار از کشور خارج شده و در کشور دیگری به کار کردن مشغول شوند. گاه ممکن است افراد به دلیل گرانی و تورم بالا چند شغل را در یک روز انجام دهند تا بتواند درآمد خود را افزایش دهند.

حقوق و دستمزد

از زمانی که فرد به اجتماعی زندگی کردن روی آورده، به وسیله‌ی کار کردن هزینه‌ی زندگی خود و خانواده‌اش را تامین کرده است. بدون شک حقوق و دستمزد یکی از مهم‌ترین تدابیری است که به جهت انگیزش کارکنان در سازمان به کار گرفته می‌شود. زیرا به عنوان یکی از ابزارهای اساسی برای رفع نیازها در سلسله مراتب نیازهای انسانی می‌باشد. بنابراین حقوق و دستمزد مهمترین مسئله است که توجه شاغلان را در مسیر زندگی کاری به خود مشغول کرده است (۱۴).

تعاریف و اصطلاحات حقوق و دستمزد

دستمزد: عبارت است از مبالغ خاصی که به صورت وجوه نقد، غیر نقدی و یا مجموع آنها به کارگر در مقابل ساعت کاری، روزکاری، تکه کاری یا میزان مشخصی از کار پرداخت می‌شود (۱۴).

حقوق: عبارت است از مبالغ خاصی که در مقابل کار فکری و یا جسمی و یا ترکیبی از فعالیت های فکری و جسمی به صورت ماهانه یا سالانه به کارمند پرداخت می‌شود (۱۵).

نظام پرداخت: فعالیتی است که سازمان‌ها از طریق آن کار افراد را ارزیابی می‌کنند تا پاداش‌های پولی و غیرپولی مستقیم و غیر مستقیم را در چارچوب مقررات قانونی و توانایی پرداخت خود میان آنها توزیع کنند (۱۴).

تاثیر بازار کار در نظام پرداخت

اتحادیه و مدیریت، هر دو نرخ‌ها و سطوح نهایی دستمزد را تعیین می‌کنند. ولی با آنکه هر دو طرف اغلب بر مطالعات دستمزد متکی هستند، سطوح پرداخت از نتایج ارزشیابی شغل و بررسی‌های دستمزد بسیار فراتر می‌رود. افزون بر سطوح دستمزد در بازار کار، معیارهای دیگر تعیین دستمزد عبارتند از: شرایط بازار کار، تاریخچه‌ی ساختار حقوق و دستمزد موسسه، مزایای جانبی، شاخص‌های بهره‌وری سود موسسه یا اطلاعات مربوط به گردش کالا و شاخص قیمت مصرف کننده که برای افزایش هزینه زندگی به کار می‌رود (۱۴).

اعتقاد بر این است که بالا بردن دستمزد و حقوق می‌تواند به نوبه خود موجب تورم بیشتر شود. ارتباط نرخ تورم با میزان افزایش حداقل دستمزد یکی از موضوعاتی است که در سال‌های گذشته به سوژه‌ای داغ برای کارشناسان اقتصادی تبدیل شده است. به گزارش همشهری آنلاین، در این ارتباط برخی معتقدند که افزایش سالانه‌ی تورم باید حتما با افزایش نرخ دستمزدها همراه شود تا از کاهش قدرت خرید کارگران جلوگیری به عمل

آید. از سوی دیگر برخی نیز افزایش نرخ دستمزد را زمینه ساز افزایش تورم ارزیابی می‌کنند. به این ترتیب یافتن علت و معلول بین این دو متغیر می‌تواند بستر مناسبی را برای مسئولان به منظور تعیین بهترین نرخ افزایش دستمزد کارگران فراهم کند (۱۶).

براساس ماده‌ی ۴۱ قانون کار مصوب سال ۱۳۶۹، شورای عالی کار همه ساله موظف است میزان حداقل مزد کارگران را برای نقاط مختلف کشور یا صنایع مختلف با توجه به معیارهای مقابل تدوین نماید؛ حداقل مزد کارگران با توجه به درصد تورمی که از سوی بانک مرکزی اعلام می‌شود، حداقل مزد بدون آنکه مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی کار محول شده را مورد توجه قرار دهد، مزد به اندازه‌ای باشد که زندگی یک خانوار را که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می‌شوند تامین کند (۱۶).

تأثیرات تورم بر دستمزد

تورم ناشی از وضعیتی است که سطح عمومی قیمت‌ها به طور بی‌رویه و یا بی‌تناسب و به طور مداوم و به مرور زمان افزایش می‌یابد. در تعریف فوق دو نکته‌ی اساسی وجود دارد:

۱. افزایش قیمت‌ها بی‌رویه و بی‌تناسب باشد. در اقتصادی که افزایش قیمت‌ها برابر با متوسط افزایش بهره‌وری یا محصول نهایی کار باشد دستمزد پولی نیز به همان نسبت افزایش می‌یابد. به طوری که نرخ دستمزد واقعی در شرط تعادل کارفرما به صورت زیر ثابت بماند.

$W_p = W_m/p$	$M_p =$ محصول نهایی	$w_m =$ دستمزد پولی	$p =$ قیمت
---------------	---------------------	---------------------	------------

با این که قیمت‌ها ترقی کرده است، تورم به وجود نمی‌آید. در این صورت افزایش سطح عمومی قیمت متناسب تلقی می‌شود. پس فشار روی قیمت‌ها ممکن است در شرایط معینی به وسیله‌ی افزایش سطح عمومی که خود از بازدهی یا بهره‌وری نیروی انسانی ناشی می‌شود خنثی گردد. در این وضعیت تورم به مفهوم واقعی خود به وجود نمی‌آید و در نتیجه درآمد واقعی افراد به طور معکوس تحت تاثیر قرار نمی‌گیرد. اما اگر در رابطه‌ی فوق افزایش نسبی قیمت‌ها بیشتر از افزایش محصول نهایی کار یا متوسط بهره‌وری بوده و نرخ دستمزد پولی ناشی از آن افزایش می‌یافت، تورم به معنای اصل خود به وجود می‌آید، زیرا که دستمزد واقعی کاهش یافته و در وضعیت عدم تعادل به گونه‌ای قرار می‌گرفت که از سطح محصول نهایی کار کمتر باشد. اگر به عللی سطح دستمزد پولی در اقتصاد افزایش یابد، یعنی در شرایطی که بازده نهایی کار ثابت باشد و یا اینکه افزایش نسبی نرخ حقوق و دستمزد پولی از افزایش محصول نهایی کار بیشتر باشد، قیمت‌ها افزایش یافته و نتیجه‌اش تورم خواهد بود.

۲. در تعریف تحلیلی تورم عنصر زمان، تداوم افزایش سطح عمومی قیمت‌ها است. اقتصاددانان بین پیدایش تورم و جریان تورم تفاوت می‌گذارند، در حالت اول تورم به عنوان یک پدیده‌ی ایستا مطرح است ولی بعد از آنکه قیمت‌ها یک بار در زمان معین افزایش یافت، اقتصاد از یک وضع تعادل به وضع دیگر حرکت می‌کند و در وضعیت جدید، تورم قیمت در زمان معین افزایش می‌یابد و نرخ افزایش آن نیز به مرور زمان صعود می‌کند. این حالتی است که در اقتصاد تورم به معنای واقعی خود به وجود می‌آید و آن را در علم اقتصاد جریان تورمی می‌گویند (۱۴).

تاریخ حمایت از حداقل دستمزد به حوالی پایان قرن نوزدهم باز می‌گردد. مقررات حداقل دستمزد در این مقطع زمانی از سیاست‌هایی به حساب می‌آمد که برای حفاظت کارگران در مقابل پیامدهای منفی نیروهای بازار اتخاذ می‌شد. زلاندنو اولین کشوری بود که قانون حداقل دستمزد را در سال ۱۸۹۴ به تصویب رساند. سازمان بین‌المللی کار تخمین می‌زند که امروز بیش از نود درصد از کشورها به نحوی از انحاء از مقررات حداقل دستمزد برخوردارند (۱۷).

موضوع تعیین حداقل دستمزد برای کارگران، همواره مجادله برانگیز بوده و از مسایل مهم اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی به شمار می‌رود. در ایران نیز در اسفند ماه هر سال، حداقل دستمزد ملی به صورت سه‌جانبه، بین نمایندگان کارگران، کارفرمایان و دولت، زیر نظر شورای عالی کار و با توجه به دو معیار نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی و سبد حداقل معیشت خانوارهای کارگری تعیین می‌شود.

در آخرین ماه هر سال و همزمان با فرا رسیدن زمان تصمیم‌گیری بر سر حداقل دستمزد کارگران برای سال بعد، مجادلات بر سر افزایش دستمزد کارگران بالا می‌گیرد. غالباً دو گروه در مقابل یکدیگر صف‌آرایی می‌کنند؛ به اعتقاد گروه اول که عمدتاً دربرگیرنده‌ی محافل کارگری و انجمن‌ها و نهادهای صنفی وابسته است، حداقل دستمزد از جمله مهم‌ترین متغیرها در بازار کار و به تبع آن در اقتصاد جامعه است که هر ساله به منظور حمایت از نیروی کار تعیین می‌شود (۱۸). هدف از این سیاست، حمایت از نیروی کار کم‌مهارت و خانواده‌های آنان در برابر فقر و استثمار، کاهش غیرقانونی بنگاه‌ها و در نهایت تحقق عدالت اجتماعی است. لازم به توضیح است که چون بین سطح عمومی دستمزدها در کشور و تورم، همبستگی بسیار بالایی وجود دارد، لذا معیار تورم و یا سطح عمومی دستمزدها در کشور جانشین‌های خوبی برای توضیح تغییرات حداقل دستمزد می‌باشد.

نتیجه‌گیری

واقعیت این است که دنیای کنونی در تنگنای یک خطر جهانی قرار گرفته است، و این خطر همان تورم جهانی است که روز به روز به صورت فزاینده بر قلمرو و ابعاد آن افزوده می‌شود. اقتصاددانان معتقدند، اگر آهنگ ترقی قیمت‌ها

به همین روال ادامه یابد دنیا در بحران عظیمی مانند بحران ۱۹۳۰ گرفتار خواهد شد (۱۹). صرف نظر از جنبه‌ی اقتصادی، تورم دارای آثار و ابعاد گسترده‌ای نیز باشد؛ زیرا تورم همانند بیکاری در واقع با زندگی تک تک افراد جوامع انسانی ارتباط مستقیم و روزمره دارد و اغلب مردم چون باید در قبال افزایش قیمت‌ها و دستمزدها، تدابیر و اقدامات مناسبی اتخاذ نمایند، به نحوی با تورم درگیر هستند. همچنین تورم باعث افزایش قیمت کالا در تجارت بین الملل می‌شود که نتیجه‌ی آن کاهش میزان صادرات و افزایش واردات است.

نرخ بالای تورم به تشکیل سرمایه در بلند مدت صدمه می‌زند، زیرا انگیزه‌ی پس انداز را کاملاً تضعیف کرده و این خود به معنای آن است که در بلند مدت مصرف کاهش می‌یابد، چرا که قیمت‌ها کم‌تر قابل تحمل می‌شوند. تورم بر عکس بعضی پدیده‌ها گرایش به مرکزیت نداشته و گرایشی بسیار نیرومند و شدید به تشدید و خودافزایی دارد و این مسئله در واقع ناشی از ذهنیت افراد یک جامعه نسبت به تورم می‌باشد. کمتر کسی در جهان ممکن است این اعتقاد را داشته باشد که فردا جنسی ارزان‌تر از امروز خواهد خرید و همین شیوه‌ی تفکر، افراد یک جامعه را تحریک می‌کند تا به سلاحی مجهز شوند تا در برابر این سیل تدریجی مقاومت نمایند.

راهکارهایی جهت کنترل تورم

در اقتصادهای پیشرفته که اغلب بنیان‌های مستحکمی دارند جهت علیت از پول به تورم است. بنابراین می‌توانند تورم را با کنترل مالی مهار کنند. اما در اقتصادهایی که ساختارهای پر اختلال و عموماً غیر رقابتی دارند و مجموعه‌ای از مشکلات گوناگون گریبانگیر آنها است، فضای حاکم بر اقتصاد به شدت رانتهی است و از سوی دیگر تورم در این گونه اقتصادها با توزیع مجددی به نفع فعالیت‌های غیرمولد و به ضرر فعالیت‌های مولد است.

مصباحی مقدم عضو کمیسیون پول و اعتبار راه‌حل و راهکارهای زیر را برای مبارزه با عوامل کوتاه مدت تورم بیان می‌دارد. ۱. جلوگیری از رشد بی رویه‌ی نقدینگی ۲. اجرای قانون در مورد وجوه دولتی در بانک‌ها و بلوکه کردن درصدی از آنها به منظور جلوگیری از رشد نقدینگی از این طریق ۳. کاهش هزینه‌های غیرضروری دولت به منظور کاهش کسری بودجه با اجرای انضباط مالی در دولت ۴. افزایش حقوق کارمندان به صورت پلکانی با میانگین کمتر از نرخ تورم، زیرا از سویی باید حداقل‌های حقوق زیر خط فقر را افزایش داد و از سوی دیگر افزایش حقوق برابر با نرخ تورم خود نیز از عوامل تورم است ۵. برای کاهش آثار تورمی واردات باید تولید آنها را در داخل افزایش داد که اقدامی بلند مدت است و در کوتاه مدت جبران ناپذیر است ۶. نظارت بر مصرف وجوه بانک که به صورت تسهیلات در اختیار طرح‌های زود بازده قرار می‌گیرد، به منظور جلوگیری از انتقال این وجه به سوی دلالی و خرید مسکن و زمین که یکی از عوامل کنونی افزایش تورم است (۱۰).

از راهکارهای مبارزه با تورم جهانی نیز می‌توان از کنترل روند افزایشی واردات کالا، ایجاد بهره‌وری در تولید داخلی، حذف واسطه‌های زائد در زمینه‌ی واردات که گاه کالای وارداتی به چندین برابر قیمت واقعی آن در داخل کشور از طریق واسطه‌ها به فروش می‌رسد، شناسایی مبدا برخی کالاهای وارداتی که صادرات مجدد هستند و خرید از مبدا اصلی (مانند توجه به عدم خرید کالای چینی از امارات و واردات مستقیم از آن) و... اشاره کرد.

در نهایت باید گفت اقتصاد ایران و به ویژه تورم کنونی آن ریشه‌دار و بسیار عمیق است و نیازمند نگاه آسیب شناسانه و همه‌جانبه است تا بتوان آن را حل و فصل کرد. راه نجات نیز پرهیز از سیاست‌زدگی و تصمیم‌گیری مشارکتی بر محور ملاحظات علمی است.

منابع و مأخذ

- (۱). زمانزاده، مهدی (۱۳۸۸)، گنجینه پول ارز و بانکداری. پیام دانشگاهی
- (۲). موسوی، امان‌الله (۱۳۸۷/۲/۱۵). تورم چیست و مهار آن چگونه است [www.abrarnews.com]
- (۵). روزنامه دنیای اقتصاد (۲۶/۱۰/۱۳۹۱). شماره ۲۸۳۴. ص ۲۸
- (۶). تفضلی، فریدون (۱۳۷۸). اقتصاد کلان. تهران. نشر نی
- (۷). جلالوند، امین (۱۳۸۶/۹/۱۷). [www.mardomsalari.com]
- (۸). جوانمردی، محمدرضا (۱۳۸۶/۵/۸). تورم. [www.aftabir.com]
- (۹). روزنامه دنیای اقتصاد (۱۳۸۵/۱۲/۱۵). شماره ۱۱۹۳. ص ۳۲
- (۱۱). روزنامه اعتماد (۱۳۸۶/۱۱/۱۴). شماره ۱۶۰۶. ص ۴
- (۱۲). مشهدی، مونا [ترجمه] (۱۳۸۶/۳/۲۶). [www.hammiahan.com]
- (۱۴). کاظمی، حمید (۱۳۸۰). نظام‌های حقوق و دستمزد (مدیریت حقوق و دستمزد). نشر نیکو
- (۱۵). ابطحی، سید حسین و مهروزان، آرمین (۱۳۷۲). طبقه بندی و ارزشیابی مشاغل. تهران. نشر صبا
- (۱۷). یزدانی، فرشید (۱۳۸۹). حداقل دستمزد در ایران. فصلنامه گفتگو. شماره ۵۵. صص ۱۵۵-۱۵۶
- (۱۸). یزدانی، فردین (۱۳۸۷). نقد اقتصادی و سیاسی، مطالبات کارگران و کارفرمایان، واگرایی‌ها و همگرایی‌ها [www.alborznews.net]
- (۱۹). اقتداری، علیمحمد. تورم و افزایش قیمت‌ها یک خطر جهانی است. مسائل جهان، شماره سوم، سال دوم، ص ۲۷

(3). www.wikipedia.org

(4). www.modiriran.ir (R.Date : 22.4.1392)

(10). www.daneshha.akairan.com (R.Date : 22.6.1392)

(13). www.tehrooz.com (R. Date : 3.5.1392)

(16). www.hamshahrionline.ir (20.10.1